

حجاب، رسانه های جمعی و هویت ما

<?xml encoding="UTF-8">

بازی گری فعال در عرصه انتقال اخبار و اطلاعات، تعامل و تضارب افکار و اندیشه ها، آموزش، پرکردن اوقات فراغت مخاطبان و ... از وظایف رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری هر کشوری است؛ با این تفاوت که این رسانه ها باید وظایف خود را در آیین باورهای دینی و ملی بنگرند. از آن جا که رسانه ها سنت های دینی و ملی هر قومی را احیا می کنند و حافظه تاریخی و جمعی مردم را با تکرار سنت های اجتماعی حفظ می نمایند، باید رسانه های جمعی هر کشوری نگهبان هویت دینی و ملی آن کشور خوانده شوند. از این رو اگر رسانه های جمعی، بدون در نظر گرفتن باورهای دینی و ملی نقش آفرینی کنند، دیگر رسانه آن قوم و تمدن خوانده نمی شوند.

تبلیغ و ترویج هویت دینی و ملی و تلاش برای تثبیت آن، از وظایف انکارناپذیر رسانه های جمعی است. اما وقتی سخن از هجوم فرهنگی بر ارزش ها و هنجارهای دینی و ملی به میان می آید، دفاع از هویت دینی و ملی نیز اهمیت می یابد و رسالت رسانه ها دو چندان می شود.

تثبیت هویت شخصی از وظایف و نیز عوامل روی کرد افراد جامعه به سوی رسانه های جمعی کشور است و افراد منتظرند که در برخورد با کتاب، روزنامه، سینما، رادیو و تلویزیون، شاهد پیام هایی باشند که آنان را در پای بندی به سنت ها و باورهای دینی و ملی خود مستحکم تر بدارد. همدم شدن با افراد جامعه نیز از وظایف رسانه های جمعی به شمار می آید و این مهم زمانی صورت می گیرد که مردم، رسانه های جمعی را همدمی صادق بدانند که آئینه باورها و سنت های پذیرفته شده آنان شمرده شود.

بی شک حجاب برای مردم این سرزمین، تنها یک واژه نیست؛ فرهنگی است که طی قرن ها حتی قبل از پذیرفتن مکتب حیات بخش اسلام، با آن زندگی کرده اند و امروزه هویت دینی و ملی و انقلابی آنان با دیگر تمدن ها و اقوام به شمار می رود و رسانه های جمعی باید از این هویت نگهبانی کنند و در تثبیت هویت شخصی مردم بکوشند و در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه، همدم و همراه مردم باشند.

آیا حجاب هویت دینی، ملی و انقلابی ماست؟ آیا این هویت امروز مورد هجوم فرهنگی و تمدنی قرار گرفته است؟ آیا رسانه های جمعی، گذشته از تلاش برای تبلیغ و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، رسالت خود را در برابر فرهنگ مهاجم به نحو احسن انجام داده اند؟

حجاب از جنبه هویت، ابعاد گوناگونی دارد که عبارتند از:

الف) حجاب هویتی دینی

حجاب و پوشش در بینش توحیدی مردم این سرزمین قبل از آن که نیازی طبیعی باشد، امری فطری به شمار می آید و حتی خداوند نیز دارای حجاب است. در این جهان بینی، هشدار خداوند به بشر در پیروی نکردن از شیطان، مؤید این واقعیت است که شیطان انسان را به برهنگی و مخالفت با طبیعت و فطرت خود می خواند:

«یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سؤالتهما»

حجاب در جهان بینی ما آیه و فرمانی از سوی خداوند سبحان است:

«قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن و لا يبدین زینتهن الا ما ظهر منها».

حجاب حدودی دارد که هم فقهای شیعه آن را مشخص کرده اند و هم مفسران قرآن تبیین نموده اند و بهترین پوشش و حجاب برای زن مسلمان، همان پوشش حضرت زهرا (س) است. در بینش مردم ما، مخالفت با حجاب، مخالفت با آیه حجاب به شمار می آید و مخالفت با یک آیه قرآن، مساوی با مخالفت با کل قرآن است.

امروزه حجاب، مشخصه مسلمانی زن ایرانی است و به تعبیر فرانتس فانون، شاید فردی تا مدت های زیادی با زندگی کردن با فرد مسلمان، نفهمد که مسلمان گوشت خوک نمی خورد و یا در روزهای ماه مبارک رمضان، روابط جنسی ندارد، اما به مرور زمان می تواند به مسلمان بودن او پی ببرد؛ ولی با دیدن چادر در همان لحظه نخست، می توان به مسلمان بودن جامعه پی برد و به تعبیر او «از روی طرز لباس پوشیدن جامعه که به وسیله عکس ها و یا فیلم های مستند ارائه می شود، می توان در بدو امر نوع جامعه ای را شناخت».

ب) حجاب هویتی ملی

در میان اقوام و تمدن های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن های دیگر، کامل تر بوده است. از این رو، در هیچ کتیبه و نقش برجسته ای نمی توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد. روت ترنر در کتاب تاریخ لباس، به پرده نشین بودن زن ایرانی در عهد باستان چنین اشاره می کند:

از زنان (ایرانیان باستان) شما اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی اجتماعی شرکت چندانی نداشتند.

ماریا برسیوس نیز به پوشش کامل زن ایرانی در نقش های برجسته دوران هخامنشی چنین اشاره می کند:

یک سوزن دوزی کشف شده در پهنه هخامنشی که چهار زن را در دو طرف عودسوزی نشان می دهد، بسیار چشم گیر است. این دیوار آویز که در گوری مدفون در زیر یخ در پازیریک پیدا شده، متعلق به دوره هخامنشی شناخته شده و تاریخ آن قرن چهارم قبل از میلاد است (رودنکو 1970: 296 و P.I 1977 و منیر 1960) همین، در هر یک از چهار گوشه تصویر شده است. زنان لباس بلند و تزیین شده به تن دارند. هر چهار زن توری به سر دارند که از پشت سر آویزان است. دو زنی که نزدیک تر به عودسوز ایستاده اند، تاج بر سر دارند.

در کتاب تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول به استفاده زن ایرانی از پوششی در دوره اشکانیان و ساسانیان اشاره شده است:

لباس زنان در دوران ساسانی را عموماً پیراهنی یک دست و بلند و پرچین تشکیل می داد که گاهی آن را با نواری در زیر سینه یا کمی پایین تر جمع می کردند و می بستند. گاهی نیز قسمت انتهای دامن را به وسیله پارچه ای اضافی و پرچین پرچین تر می دوختند. هر دو این پیراهن ها آستین های بلند تا مچ دست ها و یقه ای گرد و ساده داشتند... هم چنین زنان ساسانی از نوعی چادر استفاده می کردند که در دوران قبل از آن نیز استفاده می شد.

متون کهن و اشعار راویان ایرانیان باستان هم از پرده نشینی و پوشش کامل زن ایرانی حکایت دارند تا آن جا که فردوستی در خصوص زنان دربار پادشاهی می گوید:

همه دخت شاهان پوشیده روی

کسی کو نیامد ز پرده به کوی

پسر هست و پوشیده رویان بسی

چنین خسته و بسته هر کسی

با روی آوری ایرانیان به اسلام، پوشش زن ایرانی کامل تر شد و چادر نیز بر پوشش های دیگر افزوده گشت. این روند تا بدان جا پیش رفت تا در دوره حکم رانان آل بویه، پوشیه هم افزوده شد:

لباس زنان دیلمی تفاوتی با لباس زنان ایرانی همان دوره در نواحی خراسان و سیستان، با عراق و بغداد نداشت. چادر زنان دیلمی سیاه بود و با پارچه نازک ابریشمی (قعب) روی چهره خود را می پوشاندند.

برادران شرلی در سفرنامه خود، حجاب زن ایرانی را در عصر صفویه چنین به تصویر می کشند: چادر و روبند بر سر دارند، به طوری که آفتاب هیچ وقت بر صورت آنها نمی تابد. زن ها هم مانند مردها شلوار و جوراب های مخملی گلی می پوشند.

یوشیدا مساهارو، سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه، در مورد حجاب زن در دوره قاجار می نویسد: زن ها چادر بر سر می کردند که از سر تا به پایشان را می پوشاند و فقط چشم ها از پشت روبند توری که زیر چادر به صورت انداخته بودند، پنجره ای به بیرون داشت. در خیابان که به زن های ایرانی می رسیدیم، آنها چشم از ما برمی گردانند و رویشان را سخت می گرفتند. در چند ماهی که ما اینجا بودیم، هرگز زنی رویش را به ما ننمود و نتوانستیم صورت زنان را بی حجاب و چادر ببینیم. در این وضع، زشت و زیبا، جوان یا پیر بودن زن ها را از روی رنگ و حالت دست هایشان که شاداب یا چروکیده است، قیاس و ارزیابی می کردیم. به اعتراف تمام جهان گردانی که در ادوار گوناگون به ایران سفر کرده اند، تا قبل از مسئله کشف حجاب رضاخانی، حتی بی حجابی در بین زنان اقلیت های دینی ایران اعم از مسیحی، یهودی و زرتشتی هم مشاهده نشده و فرهنگ حجاب و عفاف، بر جامعه ایران حاکم بوده است.

ج) حجاب هویتی انقلابی

نقش محوری زنان محجبه در شکل گیری انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست تا بدان جا که امام خمینی خطاب به زنان باحجاب فرمودند:

آن که در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الان این جا حضور دارید، با همین وضع در خیابان ها ریختید و به نهضت ما کمک کردید. آنهایی که تربیت شده بودند، آنها بودند [بی حجاب ها و بدحجاب ها] که اگر هم دخالت، باز یک قشری شان بود که نزدیک بودند به آن طوری که شماها هستید، آنهایی که تربیتشان آن طور بود [بی حجاب ها] آنها کاری به این مسائل نداشتند.

ایشان در مصاحبه با اوریانا فلانچی، روزنامه نگار فرانسوی، به صراحت به جایگاه زن باحجاب در شکل گیری بزرگ ترین انقلاب قرن اشاره کردند. اوریانا فلانچی گفت:

خواهش می کنم امام! باید هنوز از شما سوءالات زیادی بکنم. مثلاً از این چادر که بر من پوشانده اند تا به خدمت شما برسم و شما به زور به زنان می پوشانید. به من بگویید چرا زنان را مجبور می کنید که خود را مخفی کنند؟ در زیر پوششی که پوشیدن آن مشکل و بیهوده است که با آنان نمی شود حرکت کرد؛ در حالی که همان زنان نشان دادند که مثل مردانند؛ مثل مردان مبارزه کردند؛ زندان کشیدند؛ شکنجه دیدند و مثل مردان انقلاب کردند؟

امام راحل در جواب فرمودند:

زنانی که انقلاب کرده اند، زنانی هستند که پوشش اسلامی داشته اند و یا دارند، نه زنان شیک پوش بزک کرده

مثل شما این ور و آن ور می روند بدون پوشش و یک دوجین مرد را دنبال خود می کشند؛ عروسک‌انی که بزرگ می کنند و به خیابان ها می آیند و سر و سینه و موی و فرم بدن خود را نشان می دهند، بر ضد شاه قیام نکردند؛ هیچ کار مفیدی انجام ندادند؛ نمی دانند خود را چگونه مفید قرار دهند! نه به صورت اجتماعی، نه به صورت سیاسی و نه حتی به صورت حرفه ای و تخصصی و این بدین دلیل است که خود را به نمایش می گذارند برای مردان و حواس پرتی می آورند و آزارشان می دهد. هم چنین باعث حواس پرتی سایر زنان و آزار و حسرت آنان می شود.

صحنه های نهضت اسلامی از پانزدهم خرداد 42 تا امروز، در عرصه ها و حوزه های گوناگون، بر این واقعیت تاریخی گواهی می دهد که حجاب کامل، خصوصاً حجاب برتر (چادر) شناسنامه زن انقلابی ایران بوده است و امروز در جهان، انقلاب با چادر و چادر با انقلاب شناخته می شود.

رسانه غربی، هویت بخشی غربی

تصویب طرح ممنوعیت حجاب در فرانسه و به تبع آن تصمیم برخی از کشورهای دیگر اروپایی و حتی آسیایی چون ترکیه در دایره ای کوچک تر، نشان از عمق وحشت جهان غرب از روند رو به رشد حجاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. حضور سبز این فرهنگ اسلامی از آن جا برای غرب ناقوس مرگ فرهنگ آن را به صدا در آورد که بی حجابی هم برای غرب چون حجاب برای مسلمانان مؤلفه محوری تمدن و فرهنگ آن به شمار می رود. فرهنگ و تمدن غرب بر پایه فلسفه لذت بنیان نهاده شد و بخش عظیم اقتصاد خود را مدیون همین مؤلفه است. از این رو، رسانه های جمعی تمدن غرب که مولود همین بسترند و جذابیت و بهره وری و موجودیت خود را با این مؤلفه گره زده می بینند، برای القای فرهنگ خود و مبارزه با فرهنگ متعالی حجاب تلاش دوچندانی نمودند.

این که «صنعت سکس اولین بار توسط بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و آژانس توسعه بین المللی امریکا برنامه ریزی و حمایت شد»، این واقعیت را می رساند که حتی سیاست غرب هم چون اقتصاد و فرهنگ آن به برهنگی و پرده دری هایی وابسته است که بیش از همه، موجودیت رسانه های جمعی فرهنگ مهاجم غرب بدان نیاز دارد تا جایی که اریک فروم می گوید:

سرمایه داری امروز احتیاج به کسانی دارد که بتوانند به طور گروهی و یا مسالمت آمیز، هم کاری کنند که بتوانند بیشتر و بیشتر مصرف کنند. کسانی که سلیقه های متحدالشکل آنان به کسانی تحت تأثیر قرار گیرد و پیش بینی شود و نیز احتیاج به کسانی دارد که احساس آزادی و استقلال بکنند و گمان نبرند که از قدرت یا اصل و یا وجدانی فرمان می برند و با این همه مایل باشند که به آنان فرمان داده شود. آن چه را از آنها انتظار می رود، انجام دهند و چون مهره ای بدون ایجاد تصادم و مزاحمت، به ماشین اجتماع بخورند. مردانی که بدون اشکال، راه نمایی شوند و بدون رهبری رهبر، بدون هدف به جلو رانده شوند و تنها هدفشان بهبود وضع خود، جنبش، کار و پیشرفت باشد. نتیجه چیست؟ انسان امروز با خودش، با هم نوعانش و با طبیعت بیگانه شده است، او به کالا مبدل گشته است نیروی زندگی خود را به نوعی سرمایه گذاری می داند که باید تحت شرایط بازار حداکثر سود را برایش تحصیل کند. روابط انسان ها اساساً همانند روابط آدمک های مصنوعی از خود بیگانه است.

وظیفه این خودبیگانگی و رهبری راداری در غرب، بر عهده رسانه های جمعی است و در این زمینه، مبلغ و مروج برهنگی هستند. بیان برخورد فرهنگ غرب با زن و تصویر زن در رسانه های نوشتاری، دیداری و شنیداری بر کسی

پوشیده نیست؛ زیرا آنان برهنگی را مؤلفه ای محوری در پیشبرد فرهنگ شیطانی خود می دانند و فرهنگ، اقتصاد و حتی سیاست خود را با آن گره می زنند، از این رو نه تنها با بهره گیری از همه تاکتیک ها و تکنیک ها و استخدام فن آوری و هنر، در تبلیغ و ترویج آن می کوشند، بلکه در راه برد خود، شکستن هر گونه مقاومت در برابر این مؤلفه را در برنامه دارند.

بی شک به همان اندازه که فرهنگ بی حجابی برای غرب اهمیت دارد، به همان اندازه نیز فرهنگ حجاب با اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد ما گره خورده و شکستن سد حجاب، مساوی با فروپاشی هویت دینی، ملی و انقلابی ماست. حال، آیا رسانه های جمعی ما نیز به اندازه رسانه های جمعی غرب، در برابر این مهم از خود واکنش نشان می دهند و از تمامی سرمایه های معنوی و مادی خود در پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده، همت می گمارند یا خیر؟

سکوت و سکون رسانه ای

اگر بپذیریم که جهان در آستانه سال 2020 میلادی، دو کدخدا پیدا خواهد کرد و این دهکده جهانی یا باید فرهنگ و تمدن اسلامی با محوریت ایران باشد و یا باید فرهنگ غرب با محوریت امریکا را برتابد و لی لی پوت جهان از میان دوگالیور ایران و امریکا، یکی را انتخاب کند، باید پذیرفت، آن چه در اطراف ما می گذرد، اعم از نقشه راه خاورمیانه تا لشکرکشی به عراق و افغانستان و محدودیت های بین المللی برای جلوگیری از تبدیل ایران به قدرت هسته ای، تنها و تنها برای مهار انقلاب اسلامی، تنها رقیب لیبرال - دموکراسی، در چند دهه دیگر است. از این رو، به همان اندازه که باید از فرهنگ شهادت طلبی پاس داری کرد، باید از حجاب نیز به دفاع برخاست؛ زیرا این دو به منزله دو بال و دو شاخصه مکتب اسلام ناب محمدی(س) به شمار می آیند و امروز حجاب، به منزله پرچم تمدن اسلامی است.

بنابراین، رسالت رسانه های جمعی به ویژه رسانه ملی صدا و سیما، چیزی جز تبلیغ و ترویج این فرهنگ و مبارزه بی امان با ترفندهای فرهنگ مهاجم نیست. بلکه موظف است از وظایفی که قانون اساسی و نیز سند چشم انداز بیست ساله رهبر معظم انقلاب، برای حرکت دستگاه های نظام ترسیم ساخته تخطی نکند؛ وظایف و چشم اندازی که در آن بر حرکت حول محور بینش توحیدی و شریعت مداری یعنی همان هویت دینی، تأکید شده است. امروزه در حساس ترین مقطع تاریخی، اسلام و ایران، در هجمه بی امان رسانه های غربی قرار گرفته اند که با تبلیغ فرهنگ لذت و ایجاد فضایی انتزاعی و تخیلی و ایجاد نیازهای کاذب در نهاد انسان امروزی، مبلغ فرهنگ برهنگی و شیطانی خود هستند؛ در حالی که رسانه های نوشتاری به لحاظ حاکمیت بینش تجاری و کارکرد حزبی و گروهی و رسانه های دیداری چون سینما، به دلیل رویکرد گیشه پسند، دفاع از این پرچم انقلاب اسلامی ایران را نادیده گرفته و بعضاً به بوته فراموشی سپرده اند.

در این مقطع، بیشترین امید به صدا و سیمای جمهوری اسلامی است که بیشترین تأثیر را دارد که متأسفانه به دلیل برخورد سطحی و الینه شدن بعضی تهیه کنندگان و کارگردانان و به کارنگرفتن کارشناسان زبده و دین شناس و باسواد، هنوز زن با حجاب را خرافی، هرهری مذهب، بی سواد و ... ارائه می کنند. در حالی که هیچ کس منکر این واقعیت نیست که رسانه ملی، برای الگوسازی و حتی نهادینه کردن پوششی مناسب در قالب شخصیت های داستانی و هنرپیشگان توان کافی را دارد، اما هنوز حتی در زمینه پوشش ملی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید داشته اند، گام لازم را بر نداشته است.

به نظر می‌رسد اراده‌ای برای درک اهمیت حجاب به منزله شناسنامه زن ایرانی و نماد هویت دینی، ملی و انقلابی، به چشم نمی‌خورد و غمض عین‌های درون‌گروهی و خودشیفتگی‌ها و خود تشویقی‌های رسانه‌ها، این مسئله را در حساس‌ترین مقطع تاریخی اسلام و ایران با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته است.

اگر این مسئله را بپذیریم که واژه حجاب، عصاره و تعریف انقلاب اسلامی ایران است که اسلامیت، ایرانیت، انقلابی بودن را تصویر می‌کند و غرب با تمام توان رسانه‌ای خود درصدد شکستن این نماد است، باید قبول کنیم که نه اسلام، نه ایران و نه انقلاب با هیچ کس عقد اخوت نبسته و بیش از این نباید اجازه داد مبانی اسلام، مصالح کشور و آرمان‌های انقلاب، فدای ندانم کارهای بعضی از متولیان فرهنگی و سیاسی شود. امروز باید به دنبال مجاری‌های دیگری برای دفاع از حجاب و ترویج و تبلیغ آن در عصر ارتباطات گشت، زیرا اهمیت محدوده، جایگاه و نقش محوری حجاب در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دیگر بر کسی پوشیده نیست.

وقت آن رسیده که عالمانه و آگاهانه و بدون هیچ خوف و وحشتی، از موضع‌گیری‌های بین‌المللی و عناصر وابسته به آنان در داخل، به وظیفه اسلامی، ملی و انقلابی خود عمل کنیم و در گام نخست، به سراغ رسانه‌های جمعی برویم و با بازخوانی عملکرد آنان و ارزیابی بودجه‌های در نظر گرفته شده از سوی نظام مقدس اسلامی با بازده عینی و ملموس، به پاک‌سازی موانع و در برخی از موارد، به افشای نقش برخی افراد در به وجود آمدن وضعیت کنونی بپردازیم.

کتاب نامه

1. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی(قده)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، بهمن 61.
1. الجزایر و مسئله حجاب، فرانسیس فانون، ترجمه دکتر خداپنده (کتاب شناسنامه ندارد).
3. تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، دکتر محمدرضا چیت ساز، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما، تهران، زمستان تهران 1379.
4. تاریخ لباس 5000 سال پوشاک زنان و مردان جهان، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه شیرین بزرگمهر، چاپ دوم، توس، تهران 1380.
5. ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پانزدهم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
7. جنگ علیه زنان، مارلین فرنچ، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، چاپ اول، انتشارات علمی 1373.
7. زنان هخامنشی، ماریا برسیوس، ترجمه هایده مشایخ، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران 1381.
8. زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، میترا مهرآبادی، چاپ اول، انتشارات آفرینش، نشر روزگار، بهار 79.
9. طلایع انقلاب اسلامی و مصاحبه‌های امام خمینی در نجف پاریس و قم، ستاد انقلاب فرهنگی مرکز نشر دانشگاهی، تهران 1367.
10. علل الشرایع، شیخ صدوق، منشورات المكتبة الحیدریه، مطبعها فی النجف، 1385 قمری - 1966 میلادی.
10. عروه الوثقی، سیدمحمدکاظم یزدی، ص 712، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
10. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، 1377.

11. مصباح المنیر، احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، صححه محمد محی الدین عبدالحمید مصر (1347 قمری 1929 میلادی).
12. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، با گفتاری از مجید رهنما، چاپ نوزدهم، انتشارات مروارید، تهران 1378.